

زنان سرپرست خانوار، مشکلات و راهکارهای پیش رو

محمد علی بابایی

چکیده

در این مجال به بررسی آسیب اجتماعی زنان سرپرست خانوار میپردازیم. بخش عمده ای از این طیف بانوان کشور، اشخاصی با شخصیت و دارای اصالت خانوادگی، دارای سلامت روحی و جسمی، باسواد و متدین و واجد دیگر خصیصه های مثبت اخلاقی می باشند، لذا شایسته است مسئولان ذیربط در امور بانوان به خصوص در بخش های اجرایی و دولتی توجه ویژه ای نسبت به رفع معضلات و مشکلات زنان سرپرست خانواده مبذول نمایند.

واژگان کلیدی

زنان، سرپرست خانوار، آسیب، مشکلات، راهکارها

مقدمه

صحبت از آسیب‌های اجتماعی زنان در واقع مطالعه آن دسته از آسیب‌هایی است که موجب اختلال در مناسبات زنان با جامعه، خانواده و زندگی خصوصی خودشان می‌شود به نحوی که کارکردهای ذاتی و مثبت آنان را مخدوش می‌کند. در حقیقت مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی است زیرا اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می‌آید و رفتارها آسیب‌میبند. یعنی، آسیب زمانی پدید می‌آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پایبندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است.

تفاوت این قشر از بانوان با دیگر افرادی که درگیر آسیب‌های اجتماعی هستند در این نکته است که زنان سرپرست خانوار عمدتاً به صورت غیرارادی و تحت تاثیر شرایط محیطی و خانوادگی و از روی اجبار زندگی در این شرایط قرار گرفته‌اند و بدون شک آنان را نمی‌توان با بانوانی که درگیر آسیب‌هایی همچون اعتیاد، فرار از خانه، روسپیگری، خودکشی، سقط جنین غیرقانونی و مواردی از این دست که شخص با اراده و انگیزه انجام عمل و قرار گرفتن در آن شرایط خاص خود را در معرض آسیب‌ها قرار داده یکسان تلقی نمود.

تعریف زنان سرپرست خانوار

در خانواده‌های ایرانی، معمولاً مرد (پدر) سرپرست خانواده محسوب می‌شود. اما تحت شرایطی، چنین مسئولیتی بر عهده زنان (مادر) قرار می‌گیرد. با ذکر مصداق زنان سرپرست خانوار، شامل زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی میکنند و یا به خانه پدری بازگشته، ولی خود امرار معاش میکنند)، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خود سرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خود سرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند)، همسران مردان از کارافتاده و سالمند، میشوند.

طبق تعریف وزارت کار و امور اجتماعی: زنان کارگر سرپرست خانوار به آن دسته از زنانی اطلاق می‌شود که در واحدهای مشمول قانون کار اشتغال داشته و سرپرستی خود و سایر افراد تحت تکفل را بر عهده دارند. این افراد شامل:

الف- دختران کارگر مجرد سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنان.

ب- زنان کارگر سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنان که همسرانشان از کارافتاده، زندانی، یا معتاد به مواد مخدر بوده و در مراکز نگهداری معتادان به سر می‌برند، و یا بیماری اعصاب و روان داشته باشند.

ج- زنان کارگری که از همسران خود طلاق گرفته (مطلقه) یا همسرانشان فوت کرده یا مفقودالاثرا باشند و افراد تحت تکفل آنان.

د- زنان کارگر سرپرست خانوار که بر اساس فهرست مورد تایید سازمان تامین اجتماعی مقرر بیمه بیکاری دریافت می‌نمایند و افراد تحت تکفل آنان.

بررسی آماری

طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰، حدود ۱۲ درصد از سرپرستان خانوارهای ایرانی را زنان تشکیل می‌دهند و پیش‌بینی اینطور بوده که تا سال جاری یعنی سال ۱۳۹۳ آمار زنان سرپرست خانوار به ۱۵ درصد کل سرپرستان خانوار در کل کشور برسد. از دو میلیون و پانصد هزار زن سرپرست خانوار تنها ۱۸ درصد از آنان شاغل بوده و ۸۲ درصد آنان بیکار می‌باشند. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که در سال ۱۳۸۵ تعداد زنان سرپرست خانوار در کشور حدود یک میلیون و ۶۴۱ هزار نفر بوده است.

از منظر داشتن سواد نیز باید خاطر نشان کرد که متأسفانه بیش از نیمی از زنان سرپرست خانواده یعنی حدود ۵۵ درصد از آنان بی‌سواد هستند. از مابقی افراد دارای سواد نیز ۱۹ درصد آنان دارای سواد ابتدایی هستند.

۳۵ درصد از زنان سرپرست خانوار با وجود داشتن همسر، سرپرستی خانواده را بر عهده دارند. از ۶۵ درصد باقیمانده، ۲۰ درصد به دلیل فوت همسر که عمدتاً مربوط به تصادفات جاده‌ای میباشد و ۲۶ درصد هم به دلیل طلاق، سرپرست خانوار شده‌اند.

اما نگرانی دیگر مربوط به این قشر از جامعه به درآمد آنان بر میگردد. به طور میانگین درآمد زنان سرپرست خانوار در سال حدود ۹ میلیون و پانصد هزار تومان می‌باشد. بر همین اساس بیشتر از ۵۰ درصد زنان سرپرست خانوار در دهکهای ۱، ۲ و ۳ قرار دارند که بسیار نگران کننده است. ۸ درصد از زنان سرپرست خانوار معلول، ۷ درصد دارای بیماری‌های جسمانی، ۱۴/۵ درصد دارای بیماری‌های روانی و ۳۰ درصد از کارافتاده هستند. ۴۶ درصد از زنان سرپرست خانوار تحت حمایت نهادهایی مانند کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، شهرداری و... می‌باشند. طبق آخرین آماری که علی محمد ذوالفقاری معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد امام خمینی (ره)

اظهار می‌دارد: هم‌اکنون یک میلیون و هشتصد هزار خانوار با جمعیتی معادل چهار میلیون نفر در کشور تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند.^۲

البته آمارهای جدید دیگری نیز در خصوص این موضوع ارائه شده است که شاید به طور کلی در همه موارد منطبق با آمارهای مرکز آمار نباشد، لذا به جهت اهمیت آنها اشاره‌ای کوتاه به آن نیز می‌کنیم.

از عوامل اصلی افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار، فوت شوهر و طلاق زوجین از یکدیگر به عنوان دو عامل مهمتر مورد اشاره قرار می‌گیرد. بر این اساس ۷۱/۴ از زنان سرپرست به علت فوت همسر، ۱۷/۶ درصد به عنوان زنان بدسرپرست، ۱۰ درصد بر اثر طلاق به این عنوان شناخته شده‌اند و ۵ درصد از آنان نیز هرگز ازدواج نکرده‌اند. همچنین آمار دقیق‌تر ارائه شده از میزان درآمد زنان سرپرست خانوار این طور نشان می‌دهد که ۴۳/۳ درصد از زنان سرپرست خانوار در دو دهک پایین درآمدی قرار دارند و ۱۳ درصد از آنان در دو دهک بالای درآمدی قرار گرفته‌اند. در مقایسه میان درآمد زنان و مردان سرپرست خانوار نیز اینطور باید ابراز داشت که میانگین درآمدی زنان حدود ۳۴ درصد کمتر از مردان سرپرست خانوار است.^۴

مشکلات و معضلات پیش روی زنان سرپرست خانوار

اول) فقر و مشکلات اقتصادی:

اساسی‌ترین مشکلی که زنان سرپرست خانوار با آن درگیر می‌باشند موضوع فقر است. در اغلب مواردی که از یک زندگی زناشویی ناموفق می‌تواند نشئت بگیرد مانند رفت و آمد به دادگاه یا مراجع حل اختلاف، فشارهای ناشی از سخت شدن امکان ازدواج مجدد بعد از شکست تجربه اول، تحمل سخنان و برداشت‌های دیگران و سخن‌چینی‌های برخی افراد، سرافکنندگی و سرخوردگی در قبال شاهد بودن موفقیت‌ها و توانایی‌های افراد همسان خود در زندگی.

دوم) مشکلات فرهنگی و اجتماعی

در بررسی آسیب‌های اجتماعی نمی‌توان نقش عوامل فرهنگی را نادیده گرفت. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده‌هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی‌سوادی و یا کمسوادی اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های

مذهبی، عدم هم‌نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی و انگیزه ارتکاب انواع جرایم را دوچندان میکند.

سوم) مشکلات روحی و روانی

نگاهی سطحی و گذرا به موارد فوق به خوبی می‌تواند گویای این حقیقت باشد که دشواری‌های زندگی زنان سرپرست خانوار و حوزه‌های آسیب‌پذیری آنان به قدری وسیع است که می‌تواند آنان را درگیر انواع مختلف درگیری‌های عصبی، تنش‌ها و استرس‌ها، فشارها و ناملايمات درونی و روانی قرار دهد که مواد ذیل تنها چند نمونه مختصر از این آسیب‌ها می‌باشد: تنهایی و مشکلات منزوی شدن تدریجی در جامعه، ضعف عزت نفس، احساس حقارت، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی، نگرش نامناسب افراد فامیل به این گونه زنان (عدم توانایی در امور، ترحم، بدبینی و ...)، کاهش ارتباطات خانوادگی (صله ارحام) و محروم ماندن از آثار و برکات آن، تنش‌های روحی و روانی خانوادگی (اختلافات و بگو مگوها)، سرافکنندگی بین اعضای خانواده و کاهش اعتماد به نفس (به ویژه در زنان مطلقه)، تنش‌ها و درگیری‌هایی که می‌تواند برای یک زن به عنوان سرپرست خانوار بوجود آید شرایطی اتفاق می‌افتد که یا مرد به عنوان نان‌آور و سرپرست اصلی خانواده به هر دلیلی وجود ندارد یا اگر هم وجود دارد تمامی هزینه‌های خانوار یا در بهترین حالت عمده هزینه خانوار بر عهده زن می‌باشد. از مصادیق وضعیت اول می‌توان به طلاق یا فوت مرد خانواده اشاره کرد که مسئولیت‌های خانواده بر دوش زن قرار می‌گیرد و نتایج آن مشخص است. اما در وضعیت دوم که مرد نامش از فهرست اعضای خانواده حذف نشده اما مسئولیت‌ها بر عهده زن خانواده می‌باشد شرایط سخت‌تر و پیچیده‌تری برای بانوان مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه خانمی که دارای شوهری بیمار یا معتاد می‌باشد یا متأسفانه اتفاقی که این روزها در زندگی اجتماعی تعداد زیادی از خانواده‌های ایرانی خصوصاً در کلان‌شهرها که در آن جدایی رسمی و قانونی بین زوجین اتفاق نیفتاده است اما با هم زندگی نمی‌کنند که اصطلاحاً به آن طلاق توافقی گفته می‌شود. در اغلب این حالت‌ها مشاهده می‌شود که وضعیت سرپرستی خانواده و اداره امور آن بر عهده زن قرار گرفته است.

اما در مقابل این مشکلات که بخشی از آنها مورد اشاره قرار گرفت، متأسفانه شاهد سیاست‌ها، قوانین و ساز و کارهای تأمین و حمایتی درخور و مناسب نمی‌باشیم. با شرایط

اقتصادی فعلی و هزینه‌های بالا و سرسام‌آور زندگی از قبیل مسکن، خوراک و پوشاک، هزینه‌های تحصیلی، هزینه‌های بهداشتی و درمانی و بسیاری از موارد دیگر آنچه به عنوان حداقل حقوق توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هر ساله تعیین می‌شود و کارفرمایان نیز بیشتر از آن مبلغ را برای کارگران متعهد نمی‌شوند، به خودی خود می‌تواند گویای وضعیت اقتصادی و معیشتی بیشتر خانوارهای دارای سرپرست زن باشد.

برای جلوگیری از کثرت تقسیم‌بندی‌ها و پراکندگی مطالب، مشکلاتی که بانوان سرپرست خانوار در خصوص مسکن، اشتغال، نبود خدمات بیمه‌ای و تامین اجتماعی مناسب و... را ذیل همین تقسیم‌بندی و در زمره مسائل اقتصادی اشاره می‌نماییم در صورتی که هر کدام از این سرفصل‌ها مطالب بسیاری در دل خود دارد. به عنوان نمونه در مبحث اشتغال به طور مسلم بیشترین آسیب اجتماعی در بیکاری است و ابتدای امر موضوع بیکاری به عنوان یک آسیب در نظر گرفته می‌شود اما خود اشتغال نیز آسیب‌های زیادی در خود دارد. مثلاً داشتن شغل حساس و اختیارات و امکانات زیاد را آغاز آسیب‌های اجتماعی می‌دانند. در مقابل نداشتن شغل مناسب و عدم رضایت شغلی را نیز سرآغاز آسیب‌های اجتماعی می‌دانند چرا که افرادی که دارای شغل مناسب با درآمد مکفی نمی‌باشند به شغل‌های دوم و سوم روی می‌آورند که این عامل هم آنان را از خانواده دور می‌کند و موجبات فراهم آوردن موقعیت‌های دارای خطر را فراهم می‌کند.

چهارم) نبود سازمان مشخص متولی برای رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار

یکی دیگر از معضلات مهمی که زنان سرپرست خانوار با آن روبرو هستند، تعدد نهادهای متولی امور آنان در کشور و عدم وجود یک نظام یکپارچه حمایتی در سطح کشور برای خدمت‌رسانی عادلانه و یکسان به این قشر آسیب‌پذیر است. به گفته یکی از مقامات مسئول، ۲۲ سازمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم در امور زنان سرپرست خانوار اختیارات تصمیم‌گیری و اجرایی دارا می‌باشند. از عمده‌ترین این سازمان‌ها باید به کمیته امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی کشور، سازمان تامین اجتماعی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی اشاره نمود.

توانمندسازی زنان سرپرست خانوار

توسعه و گسترش برنامه‌های تأمین رفاه اجتماعی از جمله عوامل مؤثر در ارتقای توانایی‌های بالقوه یک جامعه در تحقق اهداف توسعه آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و هدف نهایی آن کشور به حساب می‌آید. از این رو، در این برنامه «توانمندسازی»^۶ هدف نهایی برنامه‌های رفاه و مددکاری اجتماعی است. توانمندسازی به

عنوان امری ضروری جهت توانمند شدن افراد کم درآمدتر برای رسیدن به حقوقشان از طریق دستیابی و کنترل بر منابع طبیعی سازمان‌های موجود و تغییر یافته تعریف می‌شود (Agrawal & Gibson, 1999; Leach & et al, 1997). همچنین توانمندسازی به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل پیدا کنند.

مساله اقتصادی در واقع مهمترین مساله‌ای است که زنان سرپرست خانوار در زندگی روزمره خود با آن روبرو هستند.

اسماعیلی معاونت حمایت‌های اجتماعی کمیته امداد، نبود ستاد فرماندهی ثابت برای رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار را یکی از معایب و مشکلات موجود در راستای ارائه خدمات به این قشر عنوان کرد. معاونت حمایت‌های اجتماعی کمیته امداد به منظور ایجاد این ستاد، مطالبات و خواسته‌های اجرای این طرح را به قوای سه گانه و حتی استانداری‌ها ارائه کرده است. وی به تجربه کمیته امداد امام خمینی (ره) طی چهار دهه حمایت از زنان سرپرست خانوار اشاره کرد و گفت: یکی از دلایل حضور پررنگ این نهاد در خدمات رسانی به زنان سرپرست خانوار این حضور و تجربه است. معاون حمایت‌های اجتماعی کمیته امداد امام خمینی (ره) با اشاره به آمار سال گذشته در زمینه سازمان‌های مرتبط با امور زنان سرپرست خانوار، گفت: این آمار نشان می‌دهد ۲۲ سازمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم با مسایل زنان سرپرست خانوار مرتبط هستند. وی حوزه زنان سرپرست خانوار را بسیار وسیع دانست و ادامه داد: به دلیل این وسعت نیاز است بسیاری از سازمان‌ها در کنار هم قرار گیرند تا مشکلات این قشر مظلوم کاهش پیدا کند.^۵

قدرت و فشار این مساله در زندگی این گروه از زنان بسیار چشم گیر است و با بالا رفتن شمار افراد زیر سرپرستی زن نیز شدت بیشتری پیدا می‌کند. از این رو، سیاست‌های رفاهی یک جامعه به ویژه در سازمان‌ها و دستگاه‌های حمایتی باید برای بهبود وضعیت اقتصادی این قشر از زنان و توانمندسازی آنان باشد.

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب یا شناسایی نیازهای خود و یافتن راه حل‌های مناسب برای برطرف کردن آنها اقدامات آگاهانه و سازمان یافته انجام می‌دهند.

بر پایه گزارش سال ۱۳۸۰ سازمان ملل متحد درباره توسعه انسانی، مسائلی مانند رفع موانع اشتغال زنان در بازار کار، دسترسی به منابع مالی، برخورداری از حق مالکیت قانونی، مشارکت احتمالی نهادهای دیگر در نگهداری کودکان و تقسیم کار در منزل می‌تواند امنیت مالی و

پویایی اجتماعی آنان را افزایش دهد. افزون بر این، سلامت زنان برای ایفای نقش خویش در مقام مادر، یکی دیگر از عواملی است که در توانمندسازی زنان تاثیرگذار است، بنابراین اتخاذ راهبردهایی برای حفظ سلامت زنان ضروری است. همچنین توجه به نیازهای فرهنگی زنان از بایسته‌های جوامع امروز است.

گرچه همانطور که عنوان شد مسأله اقتصادی و موارد پیرامون آن مهمترین و عمده‌ترین سازوکار توانمندسازی به شمار می‌رود اما این مقوله را نمی‌توان در یک سرفصل محصور نمود و باید از موارد مهم زیر نیز غافل نشد:

- کیفی سازی و نظارت بیشتر بر قوانین، مصوبات و آیین‌نامه‌های مرتبط با زنان و کودکان بی سرپرست

- فرهنگ سازی بیشتر و بهتر در راستای تقویت جایگاه و منزلت این قشر از جامعه

- ارائه خدمات آموزشی، تربیتی و مشاوره برای حل مشکلات فرزندان این خانوارها و تامین نیازهای عاطفی و آموزشی آنان

- نظارت مستمر بر اعمال مقررات قانون کار و دیگر قوانین حمایتی از بانوان

- تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های حمایتی و خدمات‌رسانی به زنان سرپرست خانواده با اهداف کاریابی، گذران اوقات فراغت، تبادل اطلاعات و تجربیات، مدیریت بحران‌های خانوادگی و...

دستور کار قرار گرفته است. طبق اظهارات معاون اجتماعی سازمان بهزیستی سالانه شمار قابل توجهی از زنان سرپرست خانوار توانمند می‌شوند و بیش از ۱۰ درصد آنان از چرخه خدمات حمایت‌های مستمر بیرون رفته‌اند و شمار قابل توجهی نیز در برخی عرصه‌ها کارآفرینی می‌کنند.

در همین راستا خوشحال‌کننده‌ترین خبر مرتبط در این زمینه را می‌توان آغاز اجرای طرح جامع زنان سرپرست خانوار دانست که مقدمات اجرایی شدن آن علی‌الظاهر آماده و فراهم است و طبق اظهارات مشاور وزیر کشور در امور بانوان و خانواده قرار است این طرح به زودی اجرا شود.

سخن پایانی

آنچه در خصوص زنان سرپرست خانوار مسلم است این است که از منظر اقتصادی

و فرهنگی اوضاع زندگی زنان سرپرست خانوار شرایط مطلوبی ندارد و حمایت درخوری از آنان صورت نپذیرفته است. با توجه به وعده‌های مسئولان ذیربط در خصوص حمایت از زنان سرپرست خانوار باید عنوان کرد که اگر تمامی این وعده‌ها محقق شود باز هم در شرایط اقتصادی جامعه و متناسب با وضعیت معیشتی که مردم درگیر آن هستند معضل معیشتی این قشر از جامعه حل نمی‌شود و مشکلات را باید با راه حل‌های اصولی و ریشه‌ای درمان کرد. به عنوان مثال زمانی که اعلام می‌شود خانوار با درآمد یک میلیون تومان در ماه نیز زیر خط فقر قرار دارد، اضافه شدن مبلغ دویست هزار تومان به حقوق افراد تحت تکفل تامین اجتماعی یا کمیته امداد نمی‌تواند آنان را از شرایط فوق خارج کند. بدین منظور شایسته است معضلات کلانی همچون اشتغال که رفع آنها به صورت بصورت خودکار مشکلات دیگری را به همراه خود حل میکند در راس برنامه ریزی‌ها و پیگیری‌ها قرار گیرد و از توانمندی‌ها و استعداد‌های این بخش از جامعه استفاده بهینه صورت پذیرد. در صورت تحقق این امر سود بیشتری عاید بنگاه‌های اقتصادی به کارگیرنده این نیروی انسانی عظیم می‌شود که با اختصاص این درآمد به این افراد هم شرایط اقتصادی و معیشتی آنان بهبود یافته و هم از بودجه کشور به صورت تبری برای افراد نیازمند چیزی اختصاص پیدا نکرده است و بودجه اختصاص یافته در حقیقت در اختیار یک سرمایه‌گذاری مولد قرار گرفته است. امروزه در کشورهای پیشرفته و ثروتمند دنیا از این قشر جامعه به عنوان یک سرمایه ملی نام برده می‌شود که در اقتصاد ملی نیز برای آنان سهمی قائل هستند و از نیروی انسانی آنان در بخش تولید و دیگر بخش‌های اقتصاد حداکثر استفاده را می‌برند.

همچنین رفع موانع فرهنگی و ایجاد تحول در برخی آداب و رسوم و فرهنگ‌های نادرست که باعث افزایش دردها و مشکلات زنان سرپرست خانواده می‌شود نیز باید در راس امور قرار گیرد. متأسفانه در موارد بسیاری خانمی که به هر دلیل از همسر اول خود جدا شده است، به واسطه فرهنگ غلط اطرافیان خود شانس ازدواج مجدد را از دست می‌دهد و همین موضوع سرآغاز شروع مشکلات و معضلات و آسیب‌های دیگر برای او و فرزندان خانواده می‌شود.

خوشبختانه در سال‌های اخیر این رویکرد در مسئولان شکل گرفته و امید است که با اجرایی شدن آنها شاهد بهبود شرایط برای این بخش حساس جامعه باشیم. طرح جامع توانمندسازی زنان، طرح جامع زنان سرپرست خانواده، بسته اشتغال پایدار با اهتمام ویژه به وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار، طرح جامع یکپارچه‌سازی اطلاعات و....^{۱۰}

طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، برنامه‌ای بسیار گسترده شامل سرفصل‌ها و شاخص‌های کلی است که هر بخش از آن نیازمند برنامه ریزی، تحقیق و بررسی و تدوین قانون است که بتوان آنان را به مرحله اجرایی رساند. با توجه به نبودن ارائه این طرح

در کشور، نیازمند است که به مرور زمان، هر کدام از جزئیات این طرح به دقت بررسی شده و از مرحله نظری به عملی و اجرایی شدن منتهی شود.

مطلب مهم دیگر این است که با توجه به ارتباط مستقیم میان موضوع زنان سرپرست خانوار با دیگر آسیب‌های اجتماعی، همزمان با راهکارهای درمانی و کاهش دهنده مشکلات پیش روی زنان سرپرست خانوار مانند طرح توانمندسازی از اهمیت بیشتر ساز و کارهای پیشگیری از مشکلات نیز غافل نشد. آنچه مسلم است این است که به هر اندازه که طرحی مانند توانمندسازی زنان و لو با موفقیت نیز اجرایی شود، افزایش روزافزون تعداد زنان سرپرست خانوار در جامعه عملکرد مفید آن را با اختلال مواجه می‌کند. به عنوان مثال مقابله با آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد و طلاق هم از رشد آمار زنان سرپرست خانوار جلوگیری می‌کند و هم از تحمیل برنامه‌ها و هزینه‌های اضافی به دولت برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی که از یک سرمنشا به وجود می‌آید پیشگیری می‌کند.